

Editor - in chief lecture

# "Moment-consciousness" Intelligence and the Ability of the Mind to Manage Information and its Manifestations for Organizational Settings<sup>1</sup>

Mohammad Hassanzadeh

Professor, Knowledge and Information Science Department, Tarbiat Modares University, Tehran,  
Iran. hassanzadeh@modares.ac.ir

## Abstract

Information processing procedures in the mind are complex processes that are carried out through a set of neural reactions, retrospective analysis, perceptions of the present and future-oriented creativities. From the entry of input in the form of various stimuli into the realm of the human thought system to a reaction in the form of a decision, behavior, or movement, highly complex processes occur in the human mind by the cognitive system. These operations and interactions have been articulated by interdisciplinary research in the fields of education, psychology, behavioral sciences, neuroscience, information science, epistemology, logic, and so on. Each of these fields of study has looked at this process from a different perspective and eventually, different theories have been formulated. The output of the cognitive system is extremely important as a behavioral artifact. "Moment-consciousness" as a connecting act accelerates the output of the system and affects its outcome and impact. This phenomenon relates to the degree to which the intelligent human agent or semi-intelligent machine concludes the moment that a decision is made. The quality of moment-consciousness often determines the nature of subsequent decisions and actions. A person's decisions and actions as a family member, citizen, or manager are influenced by his or her moment-consciousness. In this note, the concept of moment-consciousness is explained and mechanisms to strengthen and improve this competency are articulated. Subsequent research on this concept may enhance information management capabilities at the individual and organizational levels.

**Keywords:** Information management, Moment-consciousness, Mind, Intelligence.

## هوش «لحظه-آگاهی» و توان ذهن برای مدیریت اطلاعات و نمودهای آن برای عرصه‌های سازمانی

محمد حسن‌زاده

استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. hasanzadeh@modares.ac.ir

### چکیده

فرایند پردازش اطلاعات در ذهن، یک فرایند پیچیده‌ای است که در قالب مجموعه‌ای از واکنش‌های عصبی، تحلیل‌های گذشته‌نگر، دریافت‌های وضعیت کنونی و آفرینش‌های معطوف به آینده تشکیل شده است. از ورود یک درون‌داد در قالب سائق‌های گوناگون به حریم منظومه اندیشگی انسان‌ها تا حصول یک عکس‌العمل در قالب یک تصمیم، واکنش، رفتار و یا حرکت پردازش‌های بسیار پیچیده‌ای در ذهن و دستگاه شناختی انسان‌ها حادث می‌شود که موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، رفتارشناسی، عصب‌شناسی، علم اطلاعات، دانش‌شناسی، منطق و غیره قرار گرفته است. هر کدام از این حوزه‌های مطالعاتی از منظر مسائل مبتلابه خود به این فرایند نگرینسته و نظریه‌های مختلفی شکل گرفته است. پدیده‌ای که به عنوان یک مسأله برای نگارنده مطرح می‌باشد، پدیده «لحظه-آگاهی» است. پدیده «لحظه-آگاهی» در اینجا به میزان فهم موجود هوشمند انسانی یا شبه هوشمند ماشینی (منظور ماشین‌های هوشمند بوده که در مقایسه با هوشمندی انسانی، شبیه به آن در نظر گرفته شده است) از لحظه‌ای مربوط است که در آن لحظه، تصمیم گرفته می‌شود. کیفیت «لحظه-آگاهی»، نقش تعیین‌کننده‌ای در سازنده بودن تصمیمات و اقدامات بعدی دارد. تصمیمات و اقدامات یک فرد در مقام یک عضو از خانواده، یک شهروند و یا یک مدیر تحت تاثیر «لحظه-آگاهی» وی قرار دارد. در این نوشتار، مفهوم «لحظه-آگاهی» و مولفه‌های موثر بر آن تبیین شده و مکانیزم‌هایی برای تقویت و به‌سازی آن ارائه شده است. پژوهش‌های بعدی پیرامون این مولفه مهم به ارتقای توان مدیریت اطلاعات در ابعاد فردی و سازمانی کمک خواهد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت اطلاعات، لحظه-آگاهی، ذهن، هوش.

## ۱. مقدمه

موجودیت‌های هوشمند به صورت مداوم در حال یادگیری و افزودن بر اندوخته‌های پیشین خود نسبت به محیط، موجودیت‌ها و رخدادهای پیرامونی خود هستند. بخشی از محتوای دروندهی شده در حافظه کوتاه مدت ذخیره و به مرور زمان از ارتباطات پردازشی کنار گذاشته می‌شوند. بخش دیگری از محتوای دروندهی شده از طریق ارتباط با محتوای یاد گرفته شده و دروندهی شده پیشین و افزودن گره‌های جدید یا تقویت گره‌های موجود و ایجاد معناهای جدید، به حافظه بلند مدت می‌پیوندند. اینکه چه محتوایی در ذهن و در شبکه معنایی اذهان ماندگار می‌شود، به رخدادهای حین یادگیری، تحلیل‌ها و تکرارهای بعد از یادگیری و همچنین استحکام شبکه معنایی و نقش ورودی جدید در مقایسه با مفاهیم پیشین و در ارتباط با آنها بستگی دارد. ارزش‌ها، باورها، نظام‌ها و اولویت‌های افراد، در سرعت و کیفیت درونی‌سازی مفاهیم تاثیرگذار هستند.

ارزش دانسته‌ها و اندوخته‌ها در تاثیرگذاری آنها بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری افراد نهفته است. به هر میزان که دانسته‌ها و اندوخته‌ها در أخذ تصمیمات و آغاز یا تداوم اقدامات نقش بیشتری داشته باشند، امکان بیشتری برای ارزش‌آفرینی خواهند داشت. البته محاسبه کیفیت ارزش ایجاد شده از یک سو، موضوعی چندعاملی است، از سوی دیگر، تابع تلقی موجود از ماهیت ارزش خلق شده می‌باشد. بنابراین، در این نوشتار به این موضوع پرداخته نمی‌شود. آنچه در اینجا مهم بوده این است که اندوخته‌های پیشین بر بستر زمان، رخدادها، اولویت‌ها، تلقی‌ها و کاربست‌ها ارزش تصمیم پیدا می‌کنند. تصمیم، کلیدواژه طلایی در تبیین ارزش دانسته‌ها و اندوخته‌ها است. آنچه که محتوای یاد گرفته شده را به چرخه عمل و ساخت موقعیت‌ها و فضاها تبدیل رهنمون می‌شود، لحظه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. در واقع تصمیم از یک سو با دانسته‌های گذشته ارتباط دارد، از سوی دیگر با وضعیت موجود و با آینده مرتبط است.

انسان‌ها به عنوان موجوداتی هوشمند از طریق یادگیری و ایجاد ارتباط بین یادگیری‌های قبلی، به قدرت استنباط پیچیده‌تری دست پیدا می‌کنند که آنها را برای فهم و پیش‌بینی آینده قادر می‌سازد. قدرت استدلال به عنوان واسطه بین گذشته، حال و آینده، یکی از توانمندی‌های مهم انسانی است. استدلال به معنای ایجاد ارتباط بین مفاهیم و دستیابی به شبکه مفهومی منسجم و تبیین‌گر، پایه اساسی تصمیم‌گیری‌ها، موضع‌گیری‌ها و اقدام‌ها است. شکل‌گیری توان استدلال در افراد، به

معنای برقراری ارتباط بین مفهوم‌ها در یک شبکه معنایی و مفهومی می‌باشد. گرته برداری از فرایند استدلال انسانی به مرور زمان منجر به شکل‌گیری هوش مصنوعی و کاربست‌های مربوطه شده است. البته هنوز ماشین‌ها با هوشمندی کامل فاصله بسیار دارند و می‌توان آنها را صرفاً دستگاه‌های شبه هوشمند نام‌گذاری کرد.

وضعیت دستگاه‌های شبه هوشمند تا حدودی مشخص و معین است. چون آنها در مقابل تصمیماتی که می‌گیرند، مسئولیت هوشمندانگی ندارند و فراتر از الگوریتم تعریف شده و سطح تفسیر معین، انتظار بیشتری از آنها نمی‌رود. ماشین‌ها از یک سو تحت تاثیر چارچوب‌های برنامه‌نویسی و عملیات ماشینی قرار دارند، از سوی دیگر، ورودی‌های آنها محدود به ورودی‌های تعریف شده خاص است. به عنوان مثال، یک سامانه پایش بزرگراه‌ها، به پایش اشیاء ویژه در یک محدوده مشخص با قواعد تعریف شده محدود هستند. آنها حرکت خودروها را با فاکتور سرعت و براساس شماره پلاک آنها تفسیر و منطبق با قوانین تعریف شده، اعمال قانون می‌کنند. ورود انسان‌ها، حیوانات، ارتباطات بی‌شمار دیگر به این محدوده تا زمانی که در حیطه وظایف آنها تعریف نشده باشد، تاثیری در تفسیر آنها ندارد. در یک سامانه پایش محصولات خط تولید نیز چنین چارچوب و محدودیت‌هایی حاکم است.

اما وضعیت انسان‌ها به کلی متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، فردی که به یک میهمانی وارد می‌شود، علاوه بر رعایت هنجارها و مناسبات موجود و یادگیری‌های نو، از وی انتظار تصمیم‌های خلاقانه، هوشمندانه، منطبق با واقعیت‌های جاری و حتی آتی حادث نشده نیز می‌رود. حساسیت این امر آنجای بیشتر می‌شود که کل زندگی انسان‌ها و حوادث پیرامونی، ناشی از تصمیم‌هایی است که در یک لحظه در موقعیت‌های مختلف محدود اتخاذ کرده‌اند. در واقع، زندگی انسان‌ها و محیط پیرامونی آنها تحت تاثیر میزان و کیفیت «لحظه-آگاهی» آنها است.

انسان‌ها، با وجود تمامی بررسی‌های پیشین، دانش اندوخته، مشورت‌های گرفته شده و تمام پشتیبانی‌های فکری دیگر، ناگزیر از اخذ تصمیم، نمایش رفتار و بروز واکنش در یک لحظه هستند. تصمیم قطعی برای انجام یک خرید (کوچک یا بزرگ)، تشکیل زندگی، تغییر محل زندگی، اشتغال و هزاران تصمیم تعیین‌کننده دیگر در یک لحظه نهایی انجام می‌شود. افرادی که در موقعیت‌های حساس متواتر قرار دارند، لحظات تعیین‌کننده بسیاری را نیز تجربه می‌کنند. به هر اندازه که تواتر موقعیت‌های حساس در زندگی فردی یا اجتماعی یک شخص بیشتر باشد، به همان

اندازه به «لحظه-آگاهی» بیشتری نیاز دارند. می‌توان چنین استنباط کرد که کیفیت عملکرد افراد در لحظه‌های حساس و تاثیرگذاری مثبت و سازنده در آینده به کیفیت توان «لحظه-آگاهی» آنها بستگی دارد.

## ۲. تعریف هوش

تعریف‌های مختلفی از هوش ارائه شده است. مشکل اصلی در تعریف هوش، ملموس نبودن آن و امکان تعبیرها و تفسیرهای مختلف از این توانایی انسانی است. آلفرد بینه<sup>۱</sup> روان‌شناس فرانسوی که یکی از بنیان‌تست‌های هوش نامیده می‌شود و تست استنفورد-بینه را بنیانگذاری کرده است، هوش را به عنوان قابلیت عمومی درک و استدلال می‌داند و قضاوت، درک و استدلال درست را از جمله ویژگی‌های حاصل از کاربست هوش به شمار می‌آورد (Terman, Merrill, 1960).

وکسلر<sup>۲</sup> واضع تست هوش بزرگسالان که به صورت عمومی به عنوان تست هوش شناخته می‌شود (Wechsler, 1958) و هم‌اکنون در ویرایش ۵ خود قرار دارد، با یک نگاه تعاملی، هوش را نتیجه تاثیر مستمر و متقابل فرد با محیط ارزیابی می‌کند. به عبارت دیگر، هوش از منظر وکسلر، توانایی تعامل هدفمند و موثر با محیط، هوش تلقی می‌شود.

ثورندایک<sup>۳</sup> بنیانگذار تست توانایی شناختی، با تعریفی تاکسونومیک از هوش، آن را توانایی درک اشخاص و ایجاد رابطه، توانایی درک اشیاء و کاربست آن و توانایی درک علائم کلامی و ریاضی، و کار کردن با آنها را به عنوان شاخص‌های اصلی هوش برمی‌شمارد (Thorndike, 1936). وی هوش را به سه دسته هوش اجتماعی، عینی و انتزاعی دسته‌بندی کرده و هوش انتزاعی را مختص به انسان قلمداد می‌کند.

ادوین بورینگ<sup>۴</sup> (Boring, 1923) یکی از روان‌شناسان پُر استناد در قرن بیستم، نگاهی الگوریتمیک به هوش دارد و آن را مجموعه‌ای از توانمندی‌ها می‌داند که از طریق آزمون مشخص می‌شوند. برخی از توانمندی‌های مورد نظر بورینگ عبارتند از: آموختن، تفکر، انطباق و برانگیختن.

1. Binet - Simon
2. Wechsler
3. Thorndike
4. Edwin G. Boring

ارائه تعریف هوش چندگانه از سوی گاردنر<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) در دهه ۱۹۸۰ را باید نشانه‌هایی از تحول عظیم در نگاه به هوش قلمداد کرد. وی هوش را به عنوان توان یادگیری برای حل مسأله‌ها می‌داند و از آن به عنوان ظرفیت زیستی - روانشناختی برای پردازش اطلاعات یاد می‌کند. بر همین اساس، هوش‌های چندگانه مانند بصری، کلامی، منطقی، بدنی، بینافردی و غیره معرفی شده است.

رویکرد هوش‌های چندگانه، غیر از نگاه واقع‌بینانه‌ای که به مفهوم هوش معطوف کرده، دریچه‌ای به سوی شکوفایی و تکامل تدریجی برداشت ما از هوش باز کرده است. بررسی تعاریف موجود نشان می‌دهد که بخش مهمی از تعاریف (اگرچه نگوییم همه آنها) به هوش به عنوان یک توان و ظرفیت توجه کرده‌اند. آنچه در این نوشتار مهم می‌باشد، حلقه مفقوده‌ای است که در همه تعاریف ارائه شده از هوش، بسیار کم‌رنگ مورد توجه قرار گرفته و آن تأثیر هوش بر تصمیمات انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. تصمیمات مهمی توسط انسان‌ها به صورت نسلی و فردی در طول زمان گرفته شده که تنها در سایه هوشمندی انسان‌ها به وقوع پیوسته است. تصمیماتی مانند مهاجرت تاریخی، یکجانشینی، شهرنشینی، دولت‌سازی، نهادآفرینی، قانون‌گذاری و غیره همگی ریشه در تصمیماتی دارند که با وجود پیشینه‌های طول و دراز، در یک لحظه قطعیت یافته‌اند.

فارغ از اینکه انسان‌ها، دارای هوشمندی ذاتی و تقویت شده در طول تجربه‌های زیسته خود هستند، واقعیت مهم‌تر این است که درهم‌کرد انواع هوش‌ها نمود خود را در تصمیمات اتخاذ شده و تأثیرات آنها در زندگی فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارند. توان مدیریت بهینه لحظه‌حیاتی تصمیم‌گیری به عنوان شاخص ممیزه انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. در این نوشتار، از این توان ذهنی به هوش «لحظه-آگاهی» تعبیر شده است.

### ۳. هوش «لحظه-آگاهی»

هوش «لحظه - آگاهی» بیانگر سرعت عمل پردازش اطلاعات در دستگاه شناختی انسان‌ها است. در این پردازش، از یک‌سو، حجم و کیفیت اطلاعات و دانش رسوب شده در ذهن مهم بوده و از سوی دیگر، استحکام ارتباط‌دهی بین موجودی‌های شناختی کنونی با فضاهای شناخته نشده

آتی بسیار تعیین‌کننده است. اغلب انسان‌ها براساس مکانیزم‌های درونی مانند حافظه و سازوکارهای بیرونی مانند ابزارهای تصمیم‌یار، از ظرفیت تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی برخوردار هستند. هم‌زمان با شکل‌گیری و بلوغ ابزارها، این توانمندی نیز ارتقاء می‌یابد. امروزه استفاده از هوشمندی کسب و کار در قالب داشبوردهای مدیریتی امری متداول است.

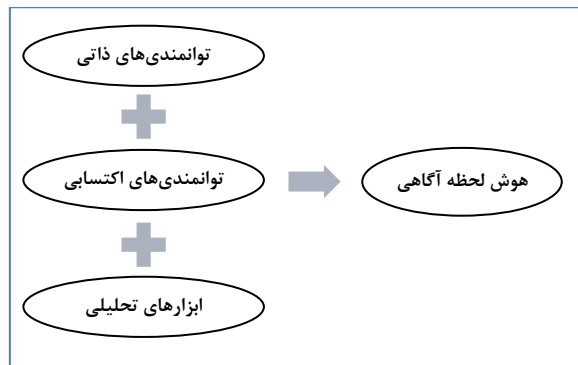
اما استنتاج از نمایش‌های بصری و عددی، با وجود الگوریتم‌های پیشرفته، همچنان امری انسانی است و تنها برخی از افراد، قادر هستند که بین مکانیزم‌های درونی و بیرونی ارتباط بهینه برقرار کرده و نتیجه‌ای مناسب و متناسب به دست بیاورند. هرچند امروزه ابزارهایی (بعضا پیشرفته) نیز برای بررسی احتمال وقوع و همچنین مطلوبیت سناریوهای آتی طراحی شده است، اما همچنان انتخاب سناریوی مطلوب مشخص شده نیازمند تلاش ذهنی انسانی بوده و در این میان، تنها تعداد بسیار کمی از افراد قادر خواهند بود که به صورت بهینه، تحلیل‌های کنونی را با پیامدهای نامشخص و نامعین آتی ارتباط دهند. قدرت و سرعت ارتباطدهی داشته‌های کنونی با احتمال‌های نامشخص آتی با تکیه بر توانمندی‌های تغییر آینده و امکان‌پذیری آن نشان‌دهنده هوش «لحظه-آگاهی» است.

هوش «لحظه-آگاهی» توان ارتباطدهی شناخته‌ها با ناشناخته‌ها است. تجربیات تصمیم‌گیری در سطح فردی و جمعی اهمیت این هوش را اثبات می‌کند. این اهمیت زمانی بسیار بیشتر می‌شود که نتیجه تصمیمات گرفته شده را در طول زمان و به همراه اثرات پایدار سازنده و یا مخرب آن در نظر بگیریم. نکته جالب اینجاست که انسان‌ها برخی مواقع نسبت به تصمیماتی که در گذشته اتخاذ کرده‌اند، حس خوبی ندارند. این تناقض، مجدداً نشان‌دهنده اهمیت هوش لحظه-آگاهی است. قضاوت‌های تاریخی نسبت به تصمیم‌های اتخاذ شده انسان‌ها در جایگاه‌های مختلف نیز بر همین اساس انجام می‌شود.

از آنجایی که با گذشت زمان، مولفه‌های حاکم و موثر بر تصمیمات افراد در لحظه‌های تعیین‌کننده بیش از پیش شفاف‌تر می‌شود، قضاوت در خصوص آن لحظه تا حدودی ساده‌تر خواهد شد. انتقال دقیق و اثربخش هوشمندی از انسان به ماشین‌ها با تکیه بر شناخت عمیق پیرامون لحظه آگاهی‌های آنها در موقعیت‌های مختلف و تبدیل آن به الگوریتم‌ها امکان‌پذیرتر خواهد شد. شفاف‌سازی ابعاد مختلف هوش لحظه-آگاهی به ساخت و توسعه ابزارهای هوشمندتر در آینده کمک خواهد کرد.

#### ۴. مولفه‌های موثر بر هوش لحظه-آگاهی

همانند سایر هوش‌ها که مفاهیمی پیچیده و چند بعدی هستند، هوش لحظه-آگاهی نیز با پیچیدگی در آمیخته است. پیچیدگی مفهوم هوش لحظه-آگاهی در مقایسه با سایر هوش‌ها با تفاوت‌هایی روبه‌رو است. مهم‌ترین تفاوت به سیال بودن و کاربست لحظه‌ای آن مرتبط می‌باشد. همان گونه که اشاره شد، هوش لحظه-آگاهی با لحظات تصمیم‌گیری و تصمیم‌های قطعی در شرایط عدم قطعیت‌ها در ارتباط است. همین ویژگی موجب می‌شود که هوش لحظه-آگاهی از پیچیدگی و چندچهریزی بیشتری برخوردار باشد. همین امر موجب می‌شود که این هوش تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد.



شکل ۱- عوامل موثر بر هوش لحظه-آگاهی

دسته نخست عوامل به توانمندی‌های معمول ذهن در پردازش اطلاعات محیطی، قدرت یادگیری، قدرت سازگاری و تجزیه و تحلیل‌های حاصل از اندوخته‌ها و انباشته‌های ذهنی بستگی دارد. این دسته از مولفه‌های تاثیرگذار بر هوش لحظه-آگاهی برای زندگی انسان‌ها ضروری است. هر کدام از انسان‌ها برحسب جایگاه اجتماعی، ایده‌ها و آرمان‌ها، پیشینه زیستی و ساختار فیزیکی بدنی و حتی نوع تغذیه، در بخشی از این توانمندی‌ها قوی‌تر و در بخشی دیگر ضعیف‌تر هستند. البته با توجه به گرایش‌های زندگی و اولویت‌های آن نیز انتظار نمی‌رود که همگان در همه ابعاد هوش به یک اندازه و در بالاترین سطح قرار گرفته باشند، هرچند، این اعتقاد به لحاظ نظری نافی امکان رشد هوشی در همه زمینه‌ها نیست. اما واقعیت زندگی انسانی و محدودیت‌های زمانی، فیزیولوژیک، تجربه و غیره وقوع‌پذیری رشد کامل در همه زمینه‌ها را برای همگان از بین می‌برد. دسته دوم عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری و تکامل هوش لحظه-آگاهی به تمرین و تکرار و



تلاش انسان‌ها در راستای تقویت آستانه هوشمندی و پایداری هوش بستگی دارد. این بخش از عوامل از یک سو به تلاش درونی انسان‌ها و از سوی دیگر به قدرت انباشته تمییز و خلاقیت ذهنی آنها متکی است. به عنوان نمونه، بازی‌های هدفمند یکی از راه‌های تکرار و جهت‌دهی تلاش‌های درونی است که در توسعه هوش لحظه-آگاهی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. موقعیت‌های آفرینشگر، ارتباط با فضاهای توسعه‌گر و تعامل با محیط‌های ابتکارانگیز از جمله تسهیل‌گرهای دیگری است که به تقویت هوش لحظه-آگاهی کمک می‌کند.

دسته سوم عوامل تاثیرگذار بر هوش لحظه-آگاهی ابزارهای تحلیلی هستند که امکان پردازش‌های خارج از توان ذهن انسانی را فراهم می‌آورند. تحلیل علایق، تحلیل‌های کلان داده، تحلیل‌های فرامفهومی، شبیه‌سازها، تصمیم‌یارها و غیره از جمله ابزارهایی هستند که در طول زمان برای غلبه بر محدودیت تحلیلی ذهن شکل گرفته و تکامل یافته‌اند. امروزه فناوری‌های هم‌گرا از جمله علوم شناختی، فضاهای بسیار موسعی برای فهم فرایندهای اتخاذ تصمیم و مولفه‌های هوشمندی فراهم آورده‌اند. قطعاً انسان قرن بیست و یکمی، بیش از هر نسل دیگری به ابزارهای مکمل دسترسی دارد و به تبع آن از امکان لحظه-آگاهی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود در دهه‌ها، سده‌ها و هزاره‌های پیش‌تری برخوردار است.

برخورداری از لحظه-آگاهی بالا لزوماً به معنای سوق یافتن زندگی بشر به سوی سعادت نیست. این توانمندی نیز همانند سایر توانمندی‌های انسانی به مثابه شمشیر دولبه می‌تواند تبعات سازنده و مخرب فراوانی را به بار بیاورد. اما خبر خوب این است که اخلاق به عنوان عامل کنترل‌گر می‌تواند در هدایت این توانمندی‌ها به سوی تصمیم‌های خوب و اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. انسان‌ها در تعامل با محیط و هم‌نوعان خود در طول تاریخ دچار خطاهای محاسباتی بسیار زیادی شده و در سطوح مختلف فجایع بزرگی را بار آورده‌اند. توسعه هوش لحظه-آگاهی و راهبری اخلاقی آن می‌تواند بستری برای اتخاذ تصمیمات و بنیانگذاری اقدامات آگاهانه سازنده کمک شایانی داشته باشد.

## ۵. هوش لحظه-آگاهی و فضای کسب و کار

چنانچه نگاه خود را از سطح کلان به سطح خرد و درون سازمانی معطوف کنیم، مدیران سازمان‌ها و مجموعه‌های کسب و کار اعم از انتفاعی و غیر انتفاعی یا دولتی و غیر دولتی در معرض تصمیم‌گیری‌های متعددی هستند که پیامدهای تصمیمات گرفته شده در نهایت علاوه بر

محیط سازمان، به محیط اجتماعی و منظومه زیست انسانی تسری می‌یابند. توان لحظه- آگاهی مدیران می‌تواند به هدایت سازمان به سوی آینده‌ای سازنده و اثربخش را تسهیل کند. در نبود هوش لحظه- آگاهی، قطعاً پیامدهای مخرب فراوانی در انتظار سازمان خواهد بود.

دنیای کسب و کار، تجربیات فراوانی از یک تصمیم‌گیری و تبعات ناگوار آن بر بنگاه را نشان می‌دهد. مثال‌های فراوانی از برعکس آن هم وجود دارد. تصمیم متفاوت مدیر یا هیات مدیره بر ساخت یا خرید یک سیستم عامل، آینده‌ای متفاوت برای دو سازنده گوشی‌های تلفن همراه را در سال ۲۰۱۰ به بار آورد. یکی از آنها به صدر فهرست راه یافت و آن دیگری از گردونه رقابت‌ها بیرون رفت. مروری بر جایجایی فهرست‌ها و ریشه‌یابی آنها براساس تصمیمات کلان فردی و جمعی مدیران به خوبی نشان‌دهنده تاثیر هوش لحظه- آگاهی بر آینده کسب و کارها است. هوش لحظه- آگاهی افراد و نحوه تعامل آنها در تصمیم‌های مشارکتی، موضوعی مهم و نیازمند بررسی در نوشتار دیگری است که می‌تواند نشان‌دهنده نحوه بهره‌برداری از هوش لحظه- آگاهی در تعاملات جمعی باشد.

آنچه به عنوان تسهیل‌گر هوش لحظه- آگاهی در موقعیت‌های تصمیم عمل می‌کند، طیف وسیعی از زیرساخت‌ها، توانمندسازها و شکوفاسازها است. از یک‌سو، مدیرانی که به زیرساخت‌های ابزاری و فرایندی منتج به انتقال دانش و تجربیات آحاد بازیگران و ذی‌نفعان سازمان به رأس هرم مدیریتی دسترسی و اعتقاد راسخ دارند، از امکان بیشتری در توسعه هوش لحظه- آگاهی خود برخوردار می‌شوند. از سوی دیگر، مدیرانی که در کنار وسعت تجربه‌ها و اندوخته‌ها، تمرکز و تعمق بیشتری در حیطه مدیریتی خود اعمال می‌کنند، به دلیل فراغت اندیشه، از توان لحظه- آگاهی بالایی برخوردار خواهند بود. دستیابی و بهره‌برداری اثربخش از لحظه- آگاهی تابعی از بسترهای پیشینی و تلاش‌ها و تمرین‌های پسینی است. هر دو مولفه هم قابل شناسایی و هم قابل یادگیری و یاددهی است. به همین دلیل، باید قاطبه مدیران لحظه- آگاه قرن بیست و یکم را نتیجه وجود یک منظومه هدفمند برای پردازش و کاربست اطلاعات و دانش در سازمان‌های آموزش و پرورش مدیران قلمداد کرد.

## ۶. نتیجه‌گیری

هوش لحظه- آگاهی در کنار سایر هوش‌های شناخته شده به عنوان بخشی از شایستگی‌های انسان‌ها قابل دسته‌بندی، تدقیق و ارتقاء است. بخش عمده‌ای از هوش لحظه- آگاهی به توان

پردازش سریع اطلاعات و تبدیل آن به دانش موثر بر تصمیم‌گیری بستگی دارد. نظام‌های مدیریت اطلاعات در سازمان‌ها با فراهم‌آوری سامانه‌ها و ابزارهای گردآوری، سازماندهی و نمایش اطلاعات و بهره‌گیری از افزارهای تحلیلی، بسترهای لازم را برای هوشمندی کسب و کار مهیاء می‌کنند. تسهیل جریان دانش در سازمان و جاری‌سازی رویکردهای مدیریت دانش راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات مجموعه‌ها، فرایند تبدیل اطلاعات به دانش و انتقال آن به فرایندهای تصمیم، زمینه‌های لحظه-آگاهی را در سطوح مختلف تقویت می‌کند.

میزان دسترسی به اطلاعات جامع و مانع از طریق سامانه‌های سازمانی و وجود توانمندی‌های زمینه‌ای و اندوخته‌های حاصل از یادگیری درازمدت و مستمر، تعیین‌کننده سطح و کیفیت لحظه-آگاهی است. هرچند بخش قابل ملاحظه‌ای از هوش به توانمندی‌های ذاتی نیز نیاز دارد، اما در مقابل، بخش مهمی از لحظه-آگاهی به دریافت نظام‌مند اطلاعات و دستیابی سریع به بینش متناسب در خصوص پدیده‌ها، ارتباطات و پیامدها نیازمند است. به همین دلیل، بلوغ سامانه‌های مدیریت دانش و رویکردهای مدیریت دانش در سازمان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در لحظه-آگاهی مدیران خواهد داشت.

آنچه به عنوان سخن پایانی در این نوشتار می‌توان اشاره کرد، تلاش توأمان فردی و سازمانی برای ارتقای هوش لحظه-آگاهی است. در سطح فردی می‌توان بر یادگیری مداوم، تمرین و ارتقای توان تحلیلی متمرکز شد. در سطح سازمانی، تسهیل جریان دانش، دسترس‌پذیری، هوشمندی کسب و کار، ارتقای کاربست مدیریت دانش و توسعه آگاهی‌های محیطی جاری و آتی می‌تواند به عنوان تسهیل‌گرهای هوش لحظه-آگاهی در دستور کار قرار گیرد. همکاری متقابل متخصصان از حوزه‌های علوم اطلاعات، رایانه، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و مدیریت و سایر زمینه‌های مرتبط می‌تواند چارچوبی مناسب برای تبیین این هوش و تقویت آن در راستای دستیابی به موفقیت پایدار فراهم بیاورد. لحظه-آگاهی وجه ممیزه اصلی تصمیم‌های حکیمانه پایدار است.

## References

1. Boring, E.G. (1923). Intelligence as the tests test it. *New Republic*, 35: 35-37.
2. Gardner, H. (1995). Reflections on Multiple Intelligences: Myths and Messages. *Phi Delta Kappan*, 77(3): 200-209.
3. Terman, L.M. & Merrill, M.A. (1960). **Stanford-Binet Intelligence Scale: Manual for the third revision, Form L-M**. Boston (MA): Houghton Mifflin.
4. Thorndike, R.L. (1936). Factor Analysis of Social and Abstract Intelligence. *Journal of Educational Psychology*, 27: 231-233.
5. Wechsler, D. (1958). **The Measurement and Appraisal of Adult Intelligence**. Baltimore (MD): Williams & Witkins, 4th<sup>ed</sup>.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22091/stim.2021.1808

حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۰). سخن سردبیر: هوش «لحظه-آگاهی» و توان ذهن برای مدیریت اطلاعات و نمودهای آن برای عرصه‌های سازمانی. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۷(۱): ۷-۱۸.